

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

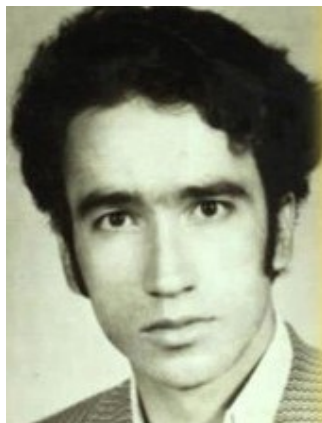
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۰۵ نومبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۴۳)

زنده یاد "سرمد" معلم اندیشه مندی بود که در پهلوی دروس مکتب به شاگردانش درس آزادیخواهی و فداکاری و آگاهی انقلابی می داد. از این سبب مورد تنفر طبقات حاکمه قرار داشت. رژیم داوود مانند خلقی - پرچمیها و خوانیها از انقلابیون نفرت داشت و زنده یاد "سرمد" را به خاطر افکار کمونیستی و انقلابی اش از کار برکنار کردند.

این شعر زمانی که زنده یاد "سرمد" حکم اخراجش را دریافت کرد، در هنگام وداع با شاگردانش سروده شده است. مگر زنده یاد "سرمد" کسی نبود که حکم اخراج از کار وی را از باورهای کمونیستی و معتقدات انقلابی تهنی سازد و سر به درگاه طبقات حاکمه بگذارد و از مبارزه و پیکار دست بکشد. مگر مرتجعین نمی دانند که کمونیستها مردمانی از سرشت ویژه ای هستند و از مصالح خاصی برش یافته اند. زنده یاد "سرمد" به آرمانهای انقلابی و کمونیستی اش تا آخر وفادار ماند، تا آن که این انقلابی کمونیست توسط قوادان خلقی - پرچمی با جمعی از همزمانش در سال ۱۳۵۸ در زیر شکنجه های وحشیانه به جاودانگی پیوستند. یاد شان گرامی باد.

وداع

رفتیم و اهل مدرسه تنها گذاشتیم داغی به روی صفحه دلها گذاشتیم
آن زورقی که بر لب ساحل نشسته بود بنگر چگونه بر شط دریا گذاشتیم
حاضر به درس دادن بی مزد، کس نبود این رسم تازه را به شما، ما گذاشتیم
دادیم درس عز و فداکاری و شرف تا خاطرات خویش در اینجا گذاشتیم
تنها هدف نبود طریق دروس ما سنگی برای جنبش فردا گذاشتیم
تا چشم هوشیاری تان بازتر شود سه سال خواب راحت خود را گذاشتیم
تا آشنا شوید به اندیشه های نو بر نقشهای پوچ کهن، پا گذاشتیم*
بردیم گرچه (خواجه) و (مهتاب) و دیگران اینجا (سخی) و (کاظم) و (ماما) گذاشتیم
چون بسته کرد راه گلو را غم وداع یک چند حرف خویش به فردا گذاشتیم

لیسه قلعه مرادیگ - ۱۳۵۶ خورشیدی

* تا آشنا شوید به اندیشه های نو بر نقشهای پوچ کهن، پا گذاشتیم
در کتاب سرود رزم پیام آوران این دو مصرع که تمام پیام شعر در آن نهفته است چاپ نگردیده است